

خمینی، تباه کننده اخلاق و معنویت

کورس. ب از تهران



در آستانه سالگرد مرگ خمینی باید دید هدفهای واقعی او از تاسیس جمهوری اسلامی چه بود، آیا خمینی می خواست یک حکومت مذهبی و اخلاق گرا تاسیس کند؟، آیا او به دنبال برقراری خلافت اسلامی بود؟، آیا هدف خمینی از مبارزه با نظام پهلوی حفظ منافع ایران بود؟

پاسخ به هر یک از این پرسشها زمینه متفاوتی از بحث را ایجاد می کند، مهمترین زبانی که خمینی به صحنه سیاسی در ایران وارد ساخت «پیمان شکنی» او بود، همین پیمان شکنی و خلف وعده های خمینی و یارانش بود که بحران «اعتماد» را در جامعه امروز پدید آورد و تداوم این «بی اخلاقی» در روش جانشینان خمینی آشکار است.

خمینی یک فرد ضد ملی و ضد اخلاق بود و از دین اسلام و نام خدا به صورت کاملاً ابزاری و گزینشی سوء استفاده کرد، ادبیات سیاسی خمینی مملو از تهمت، توهین، بی نزاکتی، تندخویی و رعایت ننمودن اخلاق

است، خمینی از همان آغاز تبلیغاتش علیه شاه از دروغ گویی و اغراق و سخنان بدون سند به عنوان یک روش استفاده کرد.

خمینی تمامی طرفداران اسلام سنتی را که به راه و روش حکومت اسلامی و ولایت فقیه او اعتقاد نداشتند، آخوندهای درباری و مقدس مآبان و طرفداران اسلام آمریکایی لقب داد، در واقع منظور خمینی از متحجرین کسانی بود که باور داشتند اسلام به عنوان یک دین نباید به صورت عریان وارد عرصه حکومتی گردد چرا که این موضوع باعث بی آبرو شدن دینداران، لکه دار شدن اعتقادات مردم و در نهایت تضعیف جایگاه دین در اجتماع می شود، پرچمدار بزرگ این مخالفت کاظم شریعتمداری بود که از همان ابتدا تاسیس جمهوری اسلامی را به زیان دین می دانست که پس از سی و دو سال درست بودن نظر کاظم شریعتمداری در این مورد اثبات شده است.

خمینی با بی اخلاقی محض تمام مخالفان خود و نظریه ولایت فقیه را دشمنان سوگند خورده اسلام لقب داد و رسماً اعلام نمود مخالفت با ولایت فقیه کفر می باشد ۱، در حالی که ولایت فقیه از منظر درون دینی هم یک نظریه کم اعتبار و دارای اشکالات متعدد فقهی است و حتا مستندات کافی شرعی هم ندارد.

در حالی که خمینی با تکیه بر مردم ایران و روی شانه های آنان به قدرت رسید از دشمنان سرسخت ملیت و فرهنگ ملی ایران بود، او در اظهاراتی سخیف درباره ملی گرایی چنین نظری داشته است: «آنهايي که مي گویند ما ملیت را مي خواهیم احیا بکنیم، آنها مقابل اسلام ایستاده اند، اسلام آمده است که این حرف های نامربوط را از بین ببرد، افراد ملی به درد ما نمی خورند، افراد مسلم به درد ما می خورند. اسلام با ملیت مخالف است، معنی ملیت این است ما ملت را می خواهیم و ملیت را می خواهیم و اسلام را نمی خواهیم، ملی گرایی کفر است» ۲، این سخنان بازتاب دهنده اوج بیزارگی خمینی از ایران و ایرانی است، کارنامه عملی خمینی در ادامه دادن جنگ با عراق و کشتارها و سرکوب های دهه ۶۰ به وضوح نشان می دهد هدف اصلی خمینی از بین بردن تکثر های سیاسی و فرهنگی در ایران و حاکم نمودن نظریه عقب افتاده و قرون وسطایی ولایت فقیه بر ایرانیان بود و جان انسان از نظر او در مقابل ایدئولوژی حکومت کمترین ارزشی نداشت، از نظر خمینی حفظ قدرت حتا بر نماز و روزه و حج و زکات ارجحیت دارد.

در حالی که خمینی در تمام دوران پهلوی «اعتراض» را حق مردم می دانست به محض این که خودش به قدرت رسید هرگونه اعتراض را «توطئه» و «دسیسه» نامید و مخالفین را «دشمنان دین»، «محرابین» و «ایادی آمریکا» نامید.

درآموزه های خرد مزدایی ایران، عصاره و جانمایه آموزه ها «پیمان» است و ایزد میترا(مهر) در اوستا ایزد نگهبان پیمان می باشد، عهدشکنی در این آیین موجب آشفتگی نظم کیهانی و «ویران شدن» سراسر کشور می شود^۳، به نظر می رسد این آموزه باستانی دقیقاً وضعیت امروز ایران را تشریح می کند، خمینی با دروغ گویی و برقراری یک نظام استبدادی یکی از ارکان ویرانی و آشفتگی میهن ما گشت و پس از سی و دو سال از تاسیس چنین نظامی، کشور درگیر بحران های متعدد اقتصادی، سیاسی، مذهبی، اخلاقی، قومی و اجتماعی است.

ولایت فقیه مد نظر خمینی نه تنها کمکی به دیانت و معنویت جامعه ایرانی نکرد بلکه کثیری از جامعه شناسان و متخصصان علم حقوق معتقدند جامعه ایران نسبت به سی سال پیش به مراتب خشن تر، بی اخلاق تر و بی بند و بارتر گشته است، خمینی با سوء استفاده مداوم از معتقدات مذهبی ضربات ویران کننده ای به پدیده دین در ایران معاصر وارد آورد.

البته جا دارد به گزاف گویی اخیر حسن خمینی که سعی می کند خود را اصلاح گرا و مترقی معرفی کند هم پرداخته شود، حسن خمینی در آخرین اظهارات تملق آمیز و مغشوش خود، خمینی را فراتر از یک شخص معرفی کرده و این طور سخن گفته: «امام راحل یکی از مظاهر لطف خدا و تحقق وعده الهی بود، تکریم و بزرگداشت امام خمینی بزرگداشت شخص نیست بلکه بزرگداشت یکی از جلوه های خداوند است»^۴. این گزاف گویی ها درباره فردی که کارنامه ای پر از خونریزی و جنایت و اشتباه دارد آخرین نمونه پروژه بت سازی از خمینی است که از سوی نوه او صورت گرفته است، باید با شفافیت به مردم گفت بین اصلاح طلبان حکومتی و طرفدار خمینی با نظامیان اقتدارگرا و طرفدار خامنه ای تفاوت «ماهوی و بنیادی» وجود ندارد هر دو جناح خواهان استمرار ولایت فقیه و حفظ میراث خمینی هستند.

حکومت خمینی نه تحقق لطف خدا بلکه سرآغاز انحطاط جامعه ایرانی بود، حکومتی که خمینی موسس آن بود نه تنها برای ایران افتخار و عظمتی به ارمغان نیاورد بلکه به اعتقادات مذهبی و معنویت هم لطمات جبران ناپذیری وارد ساخت، نظریه ولایت فقیه ملت ایران را در ردیف «اطفال و دیوانگان» قرار می دهد که نیاز به قیم دارند، ولایت فقیه حاکمیت دیکتاتورمآبانه یک فرد غیر منتخب است که با زور و اجبار به ملت ایران تحمیل شده است.

زیرنویس

۱- این دو فقره از نظرات خمینی راجع به مخالفین است: «آنکه مکتبی را مسخره می کند، اسلام را مسخره می کند، اگر متعمد باشد، مرتد فطری است زنش برایش حرام است، مالش هم باید به ورثه داده شود، خودش هم باید مقتول شود» و یا «مخالفت با ولایت فقیه، تکذیب ائمه و اسلام است». صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۳۷۶ و صحیفه نور، جلد ۹، صفحه ۱۷۱، هر دو نظر بازتاب دهنده روحیه خشونت طلبی و دیکتاتورمنشی خمینی است.

۲- بیانات آیت الله خمینی به مناسبت روز جهانی قدس، صحیفه نور، ج ۲، ۵۹/۵/۱۵، صص ۲۷۵، ۲۷۴

۳- مهریشت، بخش ۲

۴- سخنرانی حجت الاسلام حسن خمینی، ۴ خرداد، ۹۰، ایرنا